

2. این واقعیت را نیز نباید نادیده گرفت که عقلا در مهام امور به صرف اطمینان (حالت سوم) عمل نمی کنند و با امکان تحصیل علم (حالت دوم) با علم حرکت می کنند و این را نیز گفته اند که تحصیل موافقت به انجام واجبات و ترک محرمات الهی از مهام امور است؛ از این رو فقیهان امامیه در اسناد شرعی به صرف اطمینان عمل نمی کنند و تنقیح مناط و قیاس غیر قطعی را نمی پذیرند.

3. نسبت به قضا و امور پیرامون باید گفت: در آن بخش از قضا که به مثل مفاهمه، مربوط می شود، می توان به اطمینان ترسیم شده در صورت سوم اعتماد کرد، مثلا در اقرار شخص و در برداشت از کلمات یا نوشته های کارشناس و شاهد، به اطمینان حاصل از این پدیده ها، اعتماد می شود. البته حساب نفس اقرار، نظر کارشناس و شهادت شاهد که امارات قانونی است، جدا است، در آن جا حصول گمان هم شرط نیست. صحبت از اطمینان به مفاد این امارات است؛ با این توضیح معلوم می شود که اگر ظهور سخن را - حتی اگر مفید حالت سوم نباشد - اماره قانونی دانستیم، باز هم نوبت به حالت سوم نمی رسد و برخی از مراحل حالت چهارم (ظن نوعی) هم کفایت می کند؛ بنابراین اطمینان در مفروض مفاد اقرار و شهادت و ... وقتی به کاری آید که مثل صرف ظهور را اماره ای قانونی ندانیم و اطمینان را به عنوان دلیلی حاصل از ظهور یا مطلقا بپذیریم.

**بخش دیگر قضا، بخش داوری و تعیین محکوم علیه در دعاوی حقوقی و کیفری است، در این جا است که نمی توان اعتماد به حالت سوم را پذیرفت بلکه با وجود امارات قانونی، مطابق امارات داوری می شود و با نبود آن، حکم متوقف می شود تا مقام قضایی به حالت دوم یا اول برسد.**

واضح است که با شک در مساله و وجود مثل اصل عدم ولایت قاضی برای قضا در این انگاره، باز هم به توقف داوری یا حکم به ختم پرونده و فصل خصومت (هر چند بر اساس «البینه علی المدعی و الیمین علی من ادعی علیه») باید داوری کرد.

آن چه بیان گردید در وقتی است که دلیل تعیین کننده در میان نباشد و الا بر اساس آن دلیل حرکت می شود؛ مثلا در اجرای حدود یا برخی حدود می توان مدعی شد که از مجموعه رفتارهای شارع، به دست می آید که به هیچ وجه نمی توان مطابق حالت سوم داوری کرد.

ضمنا با نبود امارات قانونی تعیین کننده و حصول حالت سوم برای مقام قضایی، عادتا قاضی می تواند با فحص بیشتر به حالت دوم برسد که بنا بر قبول اکتفا به علم قاضی در داوری، تاملی در صحت استناد به آن نیست.

4. **در موضوعات و مصادیق مورد حکم، - با توجه به اصل لزوم اهتمام به احکام شرع - جز در موارد عسر و حرج یا منافات با تسهیل (اگر این را اصلی مستقل و دارای موضوعیت شرعی فرض کنیم کما هو القریب) با وجود دلیل خاص بر عدم لزوم جستجو و کنکاش (کما قد یدعی در باب طهارت و نجاست) اعتماد به اطمینان برای ترخیص مشکل است و آنچه معروف شده که «تفحص در شبهات موضوعیه لازم نیست» مورد خدشه است، بلکه باید در فرض امکان علم، به علم رسید و یا احتیاط کرد.**

5. اعتماد به تنفیح مناط اطمینانی، مقاصد و مصالح اطمینانی شریعت و مورد نظر شارع در اجتهاد، صحیح نیست، بلکه باید در این باره به قطع یا حجت مجعول از طرف شارع رسید. یا به گونه ای این اطمینان، انتساب قطعی به شارع پیدا کند؛ مثلاً گفته شود: با وجود این اطمینان اگر شارع، به این راه می اندیشید، بیانی برخلاف نصب می نمود یا باب علم بسته باشد و راهی اطمینان بخش تر از عمل به اطمینان در اصابت به واقع و اکثر اصابتاً از آن نباشد؛ مثلاً گفته شود: عمل به طرق اطمینان بخش یا تنفیح مناط اطمینانی یا مقاصد اطمینانی شارع، ضمن این که از آن ها نهی نشده، اصابتش به واقع از عمل به اصول عملیه اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست.

البته تحقیق نهایی این بحث را باید به مبحث اصول عملیه واگذار کرد و ملاحظه نمود که حد اعتبار اصول عملیه تا کجا است؟ چنان که قول به انسداد و عدم انسداد باب علم و علمی در این باره بی تاثیر نیست.

### امتداد گفتگو از اطمینان

از مباحثی که در اطراف اطمینان وعده گفتگوی آن داده شد،<sup>1</sup> مفهوم شناسی آن، بیان نسبتش با عناوین همسان یا همسو، موقعیت فقهی و شرعی و تعیین اصل در مورد آن و اثبات تعلیمی بودن آن، مورد گفتگو قرار گرفت. همچنین معلوم شد که راه های تحصیل آن مضبوط نیست، مگر کسی مدعی شود که مثل اطمینان حاصل از قیاس، نباید مورد استناد واقع شود که - البته - در مباحث گذشته معلوم شد که محض اطمینان (حالت سوم) از هر طریقی - جز مثل خبر واحد - حاصل شود، اعتبار ندارد و عدم اعتبار اختصاص به قیاس ندارد.

به هر حال گفتگو از بقیه مسائل وعده داده شده را در مجال دیگری<sup>2</sup> به انجام رسانده ایم، به آن مجال مراجعه شود.

1. ص 367.

2. درس خارج اصول، دوره اول، سال تحصیلی 1384 - 1385، جلسات 108 - 110، صفحات پیش نویس 1544 - 1546.